

# جوانان کمونیست ۱۴۴

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۱۲ خرداد ۱۳۸۳

۱ ژوئن ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
منصور حکمت



## طلعیه!



گلاره  
طاهری نژاد

مصطفی جان سلام، نوشته کوتاه زیر متنی که است که من در افتتاح کنفرانس حزب در شهر کلن آلمان برای حاضرین خواندم. فکر کردم شاید جالب باشد که در جوانان هم چاپ شود. متشکرم، در ضمن من همان روز کنفرانس به عضویت در سازمان جوانان نیز درآمدم. گلاره.

هرکه خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو  
کبر و ناز و حاجب و دریان  
بدین درگاه نیست !!

این چنین رک بودن، بدینگونه آشکار و بی پرده و عیان رو به مردمی که مخاطب اپوزیسیونی هزار رنگ هستند، سخن گفتن، شهامت می خواهد. اینکه حزبی اینگونه اندیشه ها، برنامه ها و حتی روابط درونی اش را به نمایش انظار بگذارد، اعتماد به نفس ویژه ای لازم دارد. شهامت زائیده اعتماد است و اعتماد بر آیندی است از پشتوانه های تئوری و عملی. حزب کمونیست کارگری با کشایش درهایش به سوی انظار علاقمند، پشتوانه های تئوریک و دستاوردهای عملی اش را به معرض انتقاد، انتقاد و باز هم انتقاد می گذارد. حزب ما با برگزاری کنفرانس علنی، کنفرانس سالانه علنی و با معرفی علنی چهره های شاخص مدعی ایجاد تغییر در روابط کهنه، عالی ترین نوع شکل دموکراسی را آموزش می دهد. حزب ما با عملکرد خود عمیق ترین مفهوم آزادی را به نمایش گذاشته است. حزب کمونیست کارگری مدت مدیدی است که انقلاب در روابط منسوخ شده اجتماعی را آغاز کرده است. آیا این نشانه ای از طلعیه های عملی شدن برنامه یک دنیای بهتر نیست؟  
زنده باد منصور حکمت!

## در ۱۸ تیر چه کنیم؟

گفتگو با بهرام مدرسی  
دبیر سازمان جوانان کمونیست

**جوانان کمونیست:** رژیم اسلامی برای مقابله با اعتراضات مردم و جوانان به مناسبت ۱۸ تیر، تعداد زیادی را در دانشگاههای مختلف احضار، محروم از تحصیل، زندانی و محکوم به حبس کرده است. جریان چیست؟

**بهرام مدرسی:** رژیم همانطور که گفتید در دانشگاههای مختلف تعداد زیادی را احضار کرده و تعدادی هم به حبس محکوم شده‌اند. لشکر چاقوکشانان را در خیابانها به راه انداخته‌اند و امتحانات دانشگاهها را انقدر جلو کشیده‌اند که روز ۱۸ تیر دانشگاهها و خوابگاههای دانشجویی تعطیل باشند. سال گذاشته رژیم همین اقدامات را اجرا کرد. هدفشان جلوگیری کردن از اعتراض جوانان، دانشجویان و مردم به مناسبت این روز است. این که موفق میشوند یا صفحه ۲

## ۱۸ تیر، علیه رژیم اسلامی! برای آزادی و برابری!

سازمان جوانان کمونیست در پیشاپیش  
نبرد برای سرنگونی رژیم اسلامی است.  
با ما به استقبال هر چه  
باشکوه‌تر برگزار کردن ۱۸ تیر  
بیایید. ما با بیوفتد!

سازمان جوانان کمونیست



## دسته گل بی بی سی!

رژیم اسلامی میتوان دید. این عکس را سایت بی بی سی در کنار یک سخنرانی خانم شیرین عبادی در آمریکا زده است و زیر آن نوشته: «شبان شهیدی سفیر اندوژی در کنار شیرین عبادی در همایشی بین المللی در جاکارتا». ولی سخنرانی «زن مسلمان پرچمدار اسلام حقوق بشری» در ایالت مریلند آمریکا است، چه ربطی به جاکارتا دارد؟ پاسخ معما در صمیمیت و خنده و دوستی است که در این عکس بین خانم عبادی و سفیر



تصویر کرد؟ بی بی سی می‌خواهد بگوید که ببینید جمهوری اسلامی چه ظرفیت هایی دارد. خانم عبادی چه موفقیت هایی بدست آورده است! غافل از آن که خانم عبادی بیچاره را بی آبرو تر کرده است. امروز هرکس که برای بقاء جمهوری اسلامی و اسلام دست و پا بزند، با خود این رژیم به قعر چاه تاریخ سقوط خواهد کرد.

## در آستانه یک انقلاب! ایران در انتظار لنین و حزبش!

مصطفی صابر

و دولت در ماجرای فرودگاه داشتند و اشاره «سرسته» کروی که «جلسات مهمی» در این رابطه برگزار شده است؛ به تبلیغات دوم خردادی که «حکومت سپاه» در راه است؛ به تاثیرات اوضاع عراق در ایران، نزدیک شدن سیاست آمریکا و اروپا در

اعمال فشار بر جمهوری اسلامی؛ به رئیس مجلس بی عمامه ای که تکبیر «مرگ بر آمریکا» میگوید؛ به مانورهای سپاه در خراسان برای مقابله با «اعتراضات اجتماعی»؛ به حزب اله چرخانی جلوی سفارت انگلیس؛ کج کلاه ها و نیروهای ویژه در سر چهارراه و گیر دادن به عینک و لباس و کمترین ابراز وجود دختران و پسران جوان در تهران و اصفهان و ساری و سایر شهرها؛ به حمله به مجلس عروسی در تبریز؛ به حملات از سر وحشت رژیم به مردم در چند نقطه کردستان؛ به صفحه ۳

## آخرین نامه اعلان جنگ بما! اسد حکمت، اصفهان

چند روزی است که رژیم دست به حملات وحشیانه به جوانان در خیابان میزند. عده ای را با مشت و لگد و تحقیر و توهین سوار ماشین میکند، به بسیاری از مراکز فروش لباس های مدرن و مراکز تفریحی جوانان حمله میکند، خلاصه یک خشونت عریان و کثیف را در سطحی عمومی به نمایش گذاشته است. پارک ها که محل تجمع همه روزه جوانان اصفهانی است تبدیل به صحنه درگیری وحشتناک و چندان آور رژیم شده است. صحنه هایی که دل هر انسانی را ببرد می آورد. این فضا جدید است این دفعه دیگر رژیم به این راحتی کوتاه نمی آید و با همه قوا به نسل به میدان آمده ما اعلان جنگ داده است.

خیابان نظر (در اصفهان) که خیابانی مملو از جوانان است را به یک جبهه تبدیل کرده است. در این خیابان کوچک ولی شلوغ این روزها تعداد زیادی ماشین یگان ویژه به چشم میخورد. انقدر هار شده اند که قدم به قدم از همه کارت شناسایی میخوانند. در نقاط مختلف شهر استیشن های ضد گلوله و قفس ماندنی نصب کرده اند. به علاوه در خیابان های شلوغ بزرگ راه ها به تفتیش ماشین ها و بازرسی بدنی میپردازند و چه بی شرمانه همه اینها را مبارزه با اعتیاد مینامند. بزرگترین تحقیر ها در حق ما روا میدارند. به بهانه بازجویی بدنی به اندام جنسی دختر و پسر دست میزنند که از این همه بیشتر جوانا را خرد و تحقیر کنند. و جنبه دیگر در صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## در ۱۸ تیر چه کنیم؟

از صفحه ۸

نه را خودشان بهتر میدانند. اعتراض به رژیم اسلامی و خواست سرنگونی آن چنان بنیادی و عمیق است که حتی اگر ۱۸ تیر را هم به اصطلاح به سلامت از سر بگذرانند، بازهم مردمی را در مقابل خود خواهند داشت که مترصد فرصتی برای سرنگونی حکومت آنها است. مخالفت با رژیم اسلامی نه محدود به این دانشجو و آن دانشگاه است و نه مختص به ۱۸ تیر. نکته جالبتر این است که رژیم اسلامی استراتژی سر قدرت ماندنش تقریباً دیگر روزانه تعیین میشود. پریروز به مناسبت ۸ مارس زلرشان گرفت و تلاش کردند آنرا به سلامت از سر بگذرانند، دیروز اول مه بود و بازهم لرزه سرنگون شدن تمام وجودشان را گرفت و همه عقلشان را با خانه کارگر و مجلس و رئیس جمهور و ولی فقیه روی هم گذاشتند که چطور این روز را به خیر از سر بگذرانند. الان هم به مناسبت ۱۸ تیر، صورت مسئله همان است که بود. ما قبلاً گفته‌ایم که دو صف اینجا در مقابل هم ایستاده‌اند، از یکطرف صف میلیونها مردمی که سرنگونی این رژیم اسلامی را میخواهند، میلیونها انسانی که جامعه‌ی آزاد و برابر را حق خودشان میدانند و در طرف دیگر اقلیتی که به زور سرکوب و اسلحه و زندان سرکار است. کار از اینکه این مناسبت یا آن مناسبت را از سر بگذرانند گذشته است. حال رژیم جدا خراب است. اما خود ۱۸ تیر کماکان مهم



است و باید تلاش کنیم رژیم اسلامی را در این روز قدمی به سرنگونی نزدیکتر کنیم.

**جوانان کمونیست:** به نظر شما در این روز چگونه باید اعتراضات را سازمان دهیم؟ باید مراسم برپا کرد؟ مشخصاً چه باید کرد؟

**بهرام مدرسی:** قبلاً باید بگویم که فرق است بین ۱۸ تیر و مناسبت‌های دیگری مثل اول مه یا ۸ مارس. این روزها مناسبت‌هایی جهانی هستند که رژیم اسلامی نمیتواند خطشان بکشد. مردم هم میروند و یقه این رژیم را میگیرند که به این مناسبت میخواهیم مراسمی برگزار کنیم و حتی با فشار مجوز به اصطلاح قانونی هم میشود برایش گرفت. ۱۸ تیر اما سالگرد یک اعتراض و شورش خیابانی و مردمی علیه رژیم اسلامی است. شاید نشود به این مناسبت از خود این رژیم مجوز برای برگزاری مراسمی گرفت. ۱۸ تیر روز اعلام مجدد خواست سرنگونی رژیم اسلامی است. بنابراین سازمان دادن اعتراضات در این روز و به آن مناسبت کاملاً در چهارچوب همان

اعتراض و خیابان میماند. رکن اصلی اعتراضات ۱۸ تیر جوانان بوده و هستند و طبیعی است که امسال هم جوانان در صف اول اعتراضات قرار خواهند گرفت. بیخود نیست که رژیم برای از سر گذاردن این روز چنگ و دندان بخصوص به جوانان نشان میدهد. در جواب به بخش دیگر سوال، به نظر من باید تلاش کنیم اعتراضات و تظاهراتی را در هر کجا که هستیم سازمان دهیم. اگر تا آن روز دانشگاه یا خوابگاهی باز بود که حتماً باید در اماکن به محلهایی برای اعتراض و تظاهرات بدل شوند. محلات از طرف دیگر یکی از مراکزی هستند که حتماً باید در آنها اعتراضات و تظاهراتی را فرایابیم. ما سابقاً در مورد کنترل محلات در مناسبت‌هایی مثل عید نوروز یا چهارشنبه سوری و حتی ۱۸ تیر سال قبل صحبت کرده ایم. این به نظر من امسال هم علیرغم فشاری که رژیم میآورد منتفی نیست. ما باید تلاش کنیم هر جا که امکانش را داشتیم محلاتمان را در کنترل خودمان در آوریم. در شهرهایی که حتماً امکان آنرا داریم، باید گوش به زنگ باشیم و ببینیم که امکانش هست یا نه. به نظر من از همین امروز باید با بچه‌های محل و دوستان و آشنایانمان خودمان را برای به استقبال ۱۸ تیر رفتن آماده کنیم. کار را از شعار نویسی به این مناسبت و پخش تراکتها و پوسترهای سازمان جوانان کمونیست میتوان شروع کرد. در قدم بعدی باید برای این روز قول و قرارهای خودمان را حتی اگر امکانش را داریم با بچه‌های محلات مجاور بگذاریم که در کجا و کی ترقمها

را میزنیم.

**جوانان کمونیست:** به نظر شما با این فضای پلیسی که رژیم ایجاد کرده است، اصلاً امکان چنین اقداماتی هست؟

**بهرام مدرسی:** ببینید، رژیم فشارش را میآورد ولی درست به همان اندازه همه ما، جوانان و مردم منتظر فرصتی هستیم که رژیم را عقب بزنیم. تنها فشارش را خنثی کنیم، بلکه بیشتر از آن قدمها آن را به عقب برانیم. ۱۸ تیر هم که نزدیک است. چرا که نه؟ فشار رژیم حتماً وجود دارد ولی اعتراض و خواست ما برای به زیر کشیدن این حکومت نکبت مذهبی هم سر جای خودش است. امروز بخصوص دامنه اعتراضات مردم، چه کارگران، چه معلمان، چه پرستاران و چه دانشجویان بسیار وسیعتر از سابق است. راه شکستن جو خفقان رژیم در خانه ماندن که نیست. هرچه وسیعتر و پرحرارتر تر به میدان بیاییم دامنه سرکوب رژیم محدودتر و دستگاه سرکوبش فلج تر خواهد شد. خود این روز را به نظر من باید به روز اعلام خواست آزادی همه زندانیان سیاسی تبدیل کرد.

**جوانان کمونیست:** به زندانیان اشاره کردید. برای آزادی کسانی که همین روزها جلب شده‌اند و یا در زندان هستند چه باید کرد؟

**بهرام مدرسی:** بیرون کشیدن دستگیر شدگان اول مه سقز از زندان، باید به همه بگوید که چه باید کرد؟ نامه‌های اعتراضی برای آزادی آنها را باید تهیه کرد. باید کیس همه آنها را با نام و نشان و مشخصات برای ما فرستاد که

مراجع بین‌المللی را برای آزادی آنها تکان دهیم. باید در محل در شهر یا دانشگاهمان خواهان آزادی فوری آنها شویم. باید همراه با خانواده‌های دستگیرشدگان هر روزه جلوی در زندانها تجمع کرد. باید رسماً به مراجع بین‌المللی نامه نوشت و باید همه آنها را به دست ما رساند. و دست آخر باید در اعتراضات ۱۸ تیر خواهان آزادی بیقیدو شرط همه دستگیر شدگان شویم.

**جوانان کمونیست:** شعار آکسیونی ما در روز ۱۸ تیر طبعاً باید همان شعار ۱۶ باشد؟

**بهرام مدرسی:** دقیقاً! ما روز ۱۶ آذر سال گذشته، شعار آزادی و برابری را به شعار اصلی اعتراضاتمان بدل کردیم. امروز هم شعار اصلی همان است. زنده باد آزادی و برابری! امسال حتی باید تلاش کنیم که این شعار فراگیرتر و همه‌گیرتر بشود. این شعاری است که حتماً باید بر درودیوار محلات و دانشگاهها و همه جا دیده شود. روز ۱۸ تیر هم به هر مناسبتی که بود باید این شعار را طرح کنیم. آنرا پلاکاردها کنیم و به همه نشان دهیم.

**جوانان کمونیست:** انتظار شما از فعالین چپ و کمونیست چیست؟

**بهرام مدرسی:** سازمان دادن همه آنچه‌ی که در سوالات بالا به آنها اشاره کردم، بعلاوه گزارش سریع و منظم اقدامات و اعتراضات این روز به مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست و دریاپان خالی کردن جای من و شما در این روز در کنارشان. برای همه این عزیزان آرزوی ۱۸ تیری داغ را دارم.

## رویدادهای هفته

### اسعد کوشا

۱۸ تیر و خیالات بی بی سی



سیاسی «غیرنامدار» توسط دارالتحریفات حجت الاسلام پرنس چالرز کتمان میشود و خبر از فصل تازه ای از لاپوشانی جنایات حکومت اسلامی میدهد. آقای بهنود، بزودی چرت شما هم با فراوانی ها و شعارهای ۱۸ تیر جوانان آزادیخواه و برابری طلب پاره خواهد شد. این آرامش قبل از طوفان است، مواظب کلاهتان (ببخشید عمامه اتان، ولو مجازی!) باشید.

**و جمهوریخواهان بی سرپناه**  
ورق بعدی رویاهای بی بی سی، یعنی «گفتگو با جهان» را در رادیو فردا باید خواند. این رادیو با چراغ در بدر بدنال جمهوریخواهان ایرانی میگردد. تا با این جماعت بیربط به تاریخ گفتگو کند یکجوری زنده نگاه داشت تا شاید چلبی ایران از بین آنها بیرون بیاید. (خیلی بیخوشید این سطور خیلی قبل از «خیانت» چلبی که گویا با جمهوری اسلامی همکاری میکرده و گویا اطلاعات غلط در مورد سلاح های کشتار جمعی صدام میداده و خلاصه گویا سر آمریکا شیره مالیده بوده که به عراق حمله کند! نوشته شده بود. حوصله عوض کردنش را نداشتیم.) باری، بالاخره مخابر رادیو «اپوزیسیون مطلوب رادیو فردا» را در نشست تحت عنوان «آینده سیاسی ایران» در شهر کلن پیدا میکند. در این نشست آقایان حسن شریعتمداری، بیژن حکمت و فرخ نگهدار به بی سرپناهی و بی اقبی این جریان، اعتراف میکنند و بند را آقای نگهدار چنین آب میدهد: «... آینده ایست قابل دسترس و تحقق پذیر. پشتوانه این امید نیز راهی است که سایر ملل در جهت دموکراسی طی کردند و نظامهای سیاسی است که در سایر کشورها مستقر شده و الگویی است برای ما برای گذار به دموکراسی» کدام

**امسال در ۱۸ تیر کمونیستها یک ابزار مهم دارند. تلویزیون اترناسیونال، کانال جدید! از این ابزار باید به بهترین وجه استفاده کرد. تلویزیون اترناسیونال را به همه معرفی کنید. اخبار و عکس و تصاویر اعتراضات را فوراً برای تلویزیون ارسال کنید. این یک ابزار مهم برای بسیج و مبارزه است!**

## در آستانه یک انقلاب!

از صفحه ۱



اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه بیکارسازی و تعویق دستمزدها در شهرهای مختلف؛ به تحصن نمایندگان معلمان؛ به اعتراضات پرستانان؛ به جنب و جوش های مختلفی که در بین زنان هست؛ به پلیسی کردن بیش از پیش فضای کوی دانشگاه؛ دستگیری ها و احضارهای دانشجویان؛ و...

نمی شود اینهمه را صرفا با نزدیک شدن تیرماه و وحشت رژیم و التهاب مردم و بویژه جوانان برای اعتراض توضیح داد. اگر هم بخواهیم اینطور توضیح دهیم باید توجه کنیم که این تیرماه از هر جهت (اوضاع بین المللی، فضای بین مردم، موقعیت حکومت) متفاوت است از پارسال. همینطور اینجا قصد نیست که صرفا در حد تحلیل ریشه های اوضاع ایران باقی بمانیم. این واقعیت که جمهوری اسلامی دچار بحرانی عمیق و همه جانبه است که جامعه ناگزیر برای بقا خود به این یا آن طریق این بحران را حل کند. مساله به نظر من این است که داریم به لحظات تعیین کننده این بحران نزدیک میشویم. اوضاع فعلی در متن بحران جمهوری اسلامی (به قطعنامه های مصوب کنگره سوم و چهارم حزب رجوع کنید.) محصول تحولات معینی است:

۱) نتایج جنگ آمریکا علیه عراق، سناریو سیاه و فروپاشیدن زندگی ملنی در عراق، بن بست آمریکا، که بن بست کل غرب و حتی کل بورژوازی (از جمله اسلام سیاسی، ناسیونالیسم های رنگارنگ) نیز هست، بیشترین تاثیر را در اوضاع ایران دارد. این اوضاع سبب شده است که مجموعا افق و چشم انداز راه حل بورژوازی بحران جمهوری اسلامی را تیره و تار کند.

اگر روزی سلطنت طلبان و ناسیونالیست های پروغرب در ایران بر وعده دخالت آمریکا و کنار زدن جمهوری اسلامی از بالا سرمایه گذاری میکردند، امروز به دو جهت دست شان بسته تر است. اول اینکه خود آمریکا و غرب در سیاست «رژیم چنج» سرشان به سنگ خورده است و تکرار اوضاعی نظیر عراق در جای دیگری از دنیا برایشان بسیار دشوار شده است. دوم اینکه آن تصویر ساتی ماتالی که بورژوازی راست پروغرب ایران (رژیم سابق) ها از حمله نظامی آمریکا به منظور تغییر رژیم اسلامی میداد، با دین جنایات آمریکا و سناریو سیاه عراق در بین مردم ایران زائل شده است.

این خلاء بزرگی در سیاست بورژوازی جهانی در قبال جمهوری

خواست و تمایل توده وسیع مردم بود (ولی عمدتا توسط اعتراضات نسل جوان بیان میشد) اکنون دیگر توسط توده وسیع مردم ابراز و بیان میشود. از شورش های چند شهر (فریلون کنار، دماوند، کامیاران و...) تا رودری ها در محرم و چهارشنبه سوری تا گسترش اعتصابات معلمان، به میدان آمدن بیشتر پرستانان، گسترش اعتصابات کارگری، هشت مارس، اول مه و جنب و جوش های وسیع تر در بین کارگران کمونیست همه و همه بر این تاکید میگذارد که ما با موج وسیعتری از اعتراضات که توده های وسیع را در بر خواهد گرفت روبرو خواهیم بود.

نکنه مهم اینست که اوضاع برزخ و بن بست بورژوازی در ایران باعث نشده است که مردم مایوس شوند و به خانه بروند. اینرا هر ناظر اوضاع ایران دارد میگوید که مردم امیدوارند اوضاع را تغییر دهند. به نظر من این قبل از هر چیز ماحصل این است که نسل جوان نه به خواستهای خود رسیده است و نه شکست خورده و از میدان بدر شده است. پس مبارزه ادامه دارد. از سوی دیگر جامعه ای که یکبار طعم انقلاب و تغییر رژیم از طریق قیام را چشیده وقتی با اوضاع بن بست بورژوازی روبرو میشود، وقتی آخرین امیدهایش به تحولات از بالا را از دست داد به خود و تحول از طریق انقلاب و قیام روی می آورد. بویژه اینکه این تجربه عظیم سیاسی مردم ایران اکنون بصورت ادبیات روشن منصور حکمت و حزب کمونیستی کارگری پرقلرته که تلویزیون و رادیو و فعالین روز افزونی دارد و مدعی تاملین رهبری انقلاب و قیام است مادیت یافته است.

اگر بپذیریم که مردم به خانه نرفته اند، اگر بپذیریم که اعتراضات کارگری، معلمان و پرستانان (و به نظر من بسرعت کارمندان، زنان و جوانان در راه است، اگر بپذیریم که مردم ایران دارای چنان تجربه و شعور سیاسی و حزب و رهبری بالقوه ای هستند که این اعتراضات را در صف واحد و پرقدرتی بر پا دارند، در شرایطی که جامعه باید بحران جمهوری اسلامی را حل کند، آنوقت حس کردن نقطه جوشی که از آن صحبت میکنیم کشف عجیبی نیست.

### اما اوضاع چه خواهد شد؟

در یک نگاه کلی اوضاع محصول برخورد نیروها و عواملی خواهد بود که بالاتر اشاره شد. از یکطرف رژیم اسلامی به تأخیر مجبور خواهد شد تا راه حل چینی اش را به این و یا به آن شکل به بوته آزمایش بگذارد. جمهوری اسلامی باید بویژه بتواند نسل جوان را شکست دهد. باید بتواند به تناقضات بیشمار درونی فاتح بیاید. باید بتواند حمایت و اعتماد بورژوازی غرب را جلب کند. راه حل چینی و یا هر اسمی بر آن بگذارند یعنی اینها و تحقق اینها بسیار دشوار است. میتوان پیش بینی کرد که راه حل چینی و حکومت سپاه

و غیره جمهوری اسلامی را با دو خطر بهم وابسته فروپاشی درونی و مقاومت و اعتراض توده ای روبرو خواهد کرد. اما مساله اینست که جمهوری اسلامی مجبور است به این خودکشی دست بزند تا شاید راه بقایی بیابد. از آنسو غرب و اپوزیسیون بورژوازی وابسته به آن نیز فعلا نه سعی خواهند کرد در قبال بحران جمهوری اسلامی راه حل ارائه بدهند. این راه حل ارائه دادن ها همه شکلی را در بر خواهد گرفت. از کوشش برای رهبر تراشی تا ایجاد موقعیت های شبه سناریو سیاهی و گرو گرفتن زندگی مردم. و بالاخره از طرف دیگر توده های وسیع مردم، نسل جوان، کارگران و معلمان و زنان فعالان به صحنه خواهند آمد و عرصه وسیعی برای دخالتگری کمونیستی و انقلاب باز خواهد شد.

در واقع ما در ایران در آستانه یک انقلاب قرار داریم. نه مردم میخوانند و میتوانند به شیوه سابق زندگی کنند و نه طبقه حاکمه (چه در قدرت و چه در اپوزیسیون) راه حل روشنی برای ادامه وضع موجود دارند. اما اینکه الزاما این وضع به انقلاب منجر شود و اینکه آیا انقلاب به پیروزی مردم منجر شود، امر تضمین شده ای نیست. تضمین آن در گرو فعالیت حزب کمونیست کارگری و همه کمونیست ها و آزادیخواهانی است که به صفوف این حزب می پیوندند. انقلاب، پیروزی آزادی و برابری و «جشن تودها» تنها سرنوشت روبروی ما نیست. تلخی، تباهی، سیاهی، کش پیدا کردن جمهوری اسلامی و یا خانخانی و کشمکش های قومی و غیره هم میتواند از این اوضاع در آید. در واقع یک کار عظیم در دستور ما است: اینکه چطور در بن بست که جامعه ایران با سر بظرف آن میبرد، کمونیست ها بتوانند با پرچم آزادی و برابری و مدنیت و دنیای بهتر مردم را رهبری کنند، قدرت را بدست گیرند و اجازه ندهند که ایران به سرنوشتی شبیه عراق تبدیل شود.

نباید صبر کرد. نباید در انتظار حوادث نشست. راه نجات جامعه ایران اکنون بطور واقعی یک انقلاب عظیم و گسترده و منظم علیه جمهوری اسلامی است و باید فعلا نه ایترام ممکن کرد. باید با حرارت و بدون ذره ای تردید در باره آن حرف زد و مردم را به آن فراخواند. تمام ماتریال های این انقلاب مهیا است. آنچه کم هست آرتیستسیون، اعتماد به نفس، رهبری و سازمان است. باید رهبری آنرا در سطوح مختلف چه در سطح سراسری و اجتماعی و چه در کارخانه و محله و دانشگاه و مدرسه تامین کرد. باید آنرا در انواع اقسام سازمانهای توده ای و شورایی حول سازمان محکم و وسیع حزب متشکل کرد. حزب کمونیست کارگری اکنون از همه مصالح اولیه (رادیو و تلویزیون، پینش و رهبری، کادرها و فعالین چه در داخل و چه در خارج) برخوردار است که سازمانده و رهبر این انقلاب

## اعلان جنگ بما!

از صفحه ۱

دانشگاه اظهاریه های متعددی برای دانشجویان فعال آمده است که سایه ترس را بر سر آنها گسترده است.

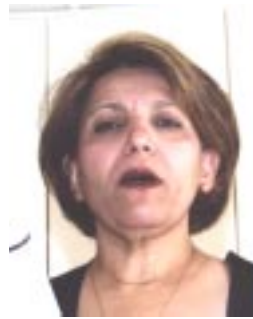
در این وضعیت همچنان جوانان از یک ۱۸ تیر داغ سخن میگویند. خیلی از دستگیر شدگان سال قبل بازم قصد اعتراض و تظاهرات دارند. ۱۸ تیر امسال برای ما تبدیل به یک جنگ حیاتی خواهد شد. حتی به نظر من با سنجیدن شرایط ممکن است به یک ضربه محکم به رژیم بدل شود که رژیم از این منحصه به زودی خلاص نشود. دانشگاه ها و مراکز تجمع جوانان اعم از ورزشگاه ها، دبیرستان ها، کلوپ ها همه ملتهب و منتظر انفجار هستند. جمهوری اسلامی توان شیر اطمینان گذاشتن بر این خشم مردمی را ندارد. تمام این تلاش های چند روزه یک حرکت مذبحخانه است. اتفاقا از جهتی به نفع ماست چرا که هر چه رژیم هارتر میشود ما قادر به جذب عده ای بیشتر به حزب و سازمان جوانان خواهیم شد. این همان پرده آخری است که منصور حکمت از آن سخن میگفت.

همچنین فعالیت ما باید کلیت جمهوری اسلامی را زیر ضرب بگیرد. هرچه این شرایط و اوضاع وخیمتر میشود حمله به ماهواره ها بیشتر میشود، عده بیشتر حقانیت گفته های ما برایشان آشکار میشود و صفوف ما برای براندازی رژیم متشکل تر و قوی تر خواهد شد. یک نظر سنجی بین جوانان که از طرف من و دوستانم انجام شده حاکی از این است که سال ۸۳ سالی آستان حوادث بسیار است. بسیاری آنرا سال انقلاب مردمی و دمکراتیک میدانند.

اگر برای مثال کسی با تمام مفاد یک دنیای بهتر ما مخالف باشد ولی هم اینکه ما شعار سرنوشتی و انقلاب میدهیم او را تشویق به حضور در صفوف ما میکند. اگر شعار های اثباتی و برای آنها به دلائل تاریخی و شرایط عینی اجتماعی قابل قبول نباشد ولی شعار سلبی ما مرگ بر جمهوری اسلامی آنها را به ما متمایل میکند.

زنده باد حزب کمونیست کارگری، زنده باد منصور حکمت. شود. حزب کمونیست کارگری باید خود باور کند که حزب نجات دهنده ایران است و به این عنوان چه در خارج و چه در داخل به صحنه بیاید. ایران در انتظار نلین و حزب اش است!

# کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا زنده باد هما و دوستان! دست مذهب از زندگی مردم کوتاه



## هما ارجمند

این معلمی که فیزیک و پزشکی خوانده بعنوان پناهنده وارد کانادا می شود. او خرسند بود که وارد کشور سکولاری شده است. جایی که برابری حقوق زنان در قانون به رسمیت شناخته شده است.

اما این خرسندی دیری نپایید، تا اینکه در پاییز گذشته هما ارجمند که امروز مددکار اجتماعی زنان مهاجر تحت خشونت واقع شده در تورنتو است، مطلع می شود که دولت انتاریو بی سر و صدا استفاده از قوانین اسلامی در جامعه اسلامی (مسلمانان ساکن کانادا) را تایید کرده است. گروهی که قبلا اسمشان را هم هرگز نشنیده بود، در حال ایجاد موسسه ای هستند بنام «موسسه عدالت اسلامی» که حق پیاده کردن قوانین اسلامی برای رفع منازعات خانوادگی و حیظه کسب و کار را یافته اند. قوانین و فرامین ۱۳۰۰ ساله ای که از قرآن برای نشان دادن راه زندگی اقتباس شده است.

هما ارجمند از این مسئله متحیر شده بود. او تاکید میکند، «آخرین چیزی که انتظار میرفت این بود. برابری زنان تحت این قوانین زیر پا گذاشته میشود.

این کاملاً مخالف قوانین و ارزشهایی است که در کانادا به رسمیت شناخته شده است. دولت نباید اجازه دهد چنین چیزی به اجر درآید».

سخنگوی دادستانی کل انتاریو می گوید مسلمانان را نمی توان از لایحه «حکیمیت انتاریو» سال ۱۹۹۱ حذف کرد، زیرا که بر اساس این قانون تمام گروههای مذهبی می توانند مشکلات خانوادگی و کسب و کار را در موسساتی که خود ایجاد میکنند، حل کنند. یهودیان سالهاست که طبق این قانون عمل می کنند. کاتولیکها نیز بهمچنین، حتی مسلمانان اسماعیلی نیز چنین

یک معنی اقدامات گسترده این کمپین جهت افشای جریانات اسلامی و آگاهی مردم آنچنان موثر بود که مدیای کانادایی را به عکس العمل آشکار کشانید و سیاست مبتنی بر نادیده گرفتن این کمپین خنثی شد. در چند هفته گذشته چندین مطلب در روزنامه های مهم کشور به این موضوع اختصاص داده شد. و کماکان این قضیه ادامه دارد. در این میان چندین مصاحبه با هما ارجمند توسط روزنامه ها، رادیو و تلویزیون محلی و سراسری صورت گرفت که از این میان میتوان روزنامه پرتیراژ تورنتو استار، هملتون اسپکتیتور، رادیو سی. کی. ان. دابلیو ( رادیوی پرشونده ای که تمام غرب و پشری\_البرتا، ساسکاچوان و ماناتوبا را دربر میگیرد) رادیو سی بی سی (رادیو سراسری و دولتی کانادا) تلویزیون تی وی او (تلویزیون انتاریو)، چت لاین (مجله پرتیراژ زنان)، گلوبل میل (روزنامه سراسری کانادا) و تایمز کانادا را نام برد. در این جا ترجمه بخشهایی از مقاله لیندا هرست که در صفحه اول روزنامه تورنتو استار روز شنبه ۲۲ مه چاپ شده را میاوریم.

**تاسیس دادگاههای اسلامی در انتاریو مورد حمله واقع شد زنان بر علیه قوانین اسلامی مبارزه می کنند.**

**اما مدافعین می گویند که حقوق آنان رعایت شده است.**

### نویسنده: لیندا هرست

اگر هما ارجمند در ایران می ماند، امروز مرده بود. تمام همزمان هما در تهران که از فعالین و مدافعین حقوق زنان بودند را اعدام کرده اند. آنان که متکی به قوانین اسلامی بوده و هنوز هم هستند.

هما ارجمند در سال ۱۹۸۹ با پرداختن ۱۵ هزار دلار به قاچاقچی همراه با همسر و دو فرزندش موفق به فرار می شوند. مسافرت آنان با اسب سه شبانه روز بطول می کشد که روزها را در طویله بسر می بردند تا اینکه بالاخره به ترکیه می رسند. دو سال بعد

هما ارجمند و دوستانش (چه ایرانی و چه غیر ایرانی) دارند امر مهمی را در کانادا پیش میبرند. آنها از مخالفت با دادگاههای شریعه شروع کرده اند اما مبارزه آنها دارد به مقاومت ایستادگی در برابر دخالت کل مذاهب در مساله فضا و حقوق در کانادا منجر میشود. در کانادا بدلیل حاکمیت نظریه فاشیستی ((نسبیت فرهنگی))، مذاهب مختلف اجازه دارند تا دادگاههای ویژه خود را داشته باشند تا در زمینه مسائل خانوادگی و دیگر عرصه هایی از زندگی مدنی دخالت کنند. هما و کمپینش دارد این واقعیت ضد بشری و زن ستیز را به چالش میکشد. همینجا برای هما و دوستانش آزوی پیروزی داریم و از همه خوانندگان چه در ایران و چه خارج ایران میخواهیم با تمام قوا به کمک کمپین بین المللی بر علیه دادگاههای اسلامی در کانادا پیوندند. هما قصد دارد تا روز معینی را برای اعتراض سراسری در کانادا و در سایر کشورها (جلوی سفارتهای کانادا) اعلام کند. گوش بزنک باشید و در این نبرد حائز اهمیت بین المللی علیه اسلام و دخالت مذهب، علیه زن ستیزی شرکت کنید.

متنی را که در زیر میخوانید خود این کمپین برای ما فرستاده و تنها گوشه هایی از تلاش شبانه روز هما و دوستان را منعکس میکند. (جوانان کمونیست)

در ادامه فعالیتهای کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا و بطور مشخص کوششهای خستگی ناپذیر هما ارجمند مسئول این کمپین علیه جریانات اسلامی که جهت ایجاد این دادگاهها فعالیت میکنند اخیراً موجی از توجه افکار عمومی و مدیای کانادایی به این موضوع جلب شد. بنحوی که نه تنها طومار علیه ایجاد این دادگاهها در مدت چند روز به امضای بیش از ۳۰۰ نفر افراد جدید رسید بلکه دهها نفر چه با تماس تلفنی و یا ای میلی در حمایت از این کمپین برآمده و خواهان همکاری فعال شدند. به

می کنند. حکم صادره در این دادگاهها قابل اجرا است هرچند که باید در راستای قوانین کانادا و بیانیه حقوق بشر عمل کنند.

براندن کرولی سخنگوی دادستانی کل که پاسخگوی تمام تماسها از طرف رسانه های جهانی در رابطه با این قانون است، می گوید «قانون راه خطا را مسدود کرده است. شرکت افراد به این دادگاهها اختیاری است و اگر تصمیمی ناقض قوانین کانادا باشد می توان علیه آن به دادگاههای عادی اعتراض کرد». هما ارجمند تمام این جوابها را شنیده است ولی اینها را توجیحات بی ارزشی میدانند. او بعنوان مسئول کمپین علیه دادگاههای اسلامی همراه با چندین تن از نمایندگان سازمانهای مختلف ماه گذشته ملاقاتی با مقامات بلند پایه دادستانی انتاریو و خانم ساندرایا پاتلو وزیر امور اجتماعی و مسئول مسائل زنان داشتند. در این ملاقات ارجمند به صراحت گفت که زیر پوشش حمایت از مذهب، تحت عنوان مولتی کالچرالیزم (تنوع فرهنگی) و ترس از اینکه مبدا به اسلام توهینی شده باشد حقوق زنانی که از کشورهای اسلام زده امده اند را زیر پا می گذارند. ارجمند متذکر شد که جان اکثر زنان مهاجر جوانی که از خاورمیانه، شرق یا شمال آفریقا و کشورهای شرقی که در آنجا قوانین اسلامی اعمال میشود آمده اند، در معرض خطر است. او یاد آوری می کند که زنان تحت فشار روانی و اجتماعی مجبور به مراجعه به این دادگاهها خواهند شد. در صورت مخالفت توسط خانواده و جوامع مسلمانان ساکن کانادا طرد می شوند و یا بدتر. او می گوید «در صورت یک اختلاف آشکار بین زن و مرد، طبق اسلام شهادت شوهر مورد تأیید خواهد بود. حتی زنانی که می دانند می توانند رای دادگاه را چلنج کنند بعلت ترس از عواقب بیشتر پیگیر آن نخواهند شد». هما ارجمند میگوید «مهم نیست که سخنگوی دادستانی چه می گوید بطور حتم هیچکدام از احکام دادگاههای اسلامی که یقیناً در راستای قوانین کانادا هم نیستند برای بررسی مجدد به دادگاههای سکولار فرستاده نخواهد شد. در حال حاضر فعالیتهای غیر قانونی بسیاری که مورد تأیید قوانین شرعی هستند از تورنتو صورت می گیرد ( ازدواجهای چند همسر، ازدواجهای جوانان زیر ۱۶ ساله و کتک زدن زنان غیره) و از این وحشت دارد که لایحه حکمیت انتاریو و برسمیت شناسی دادگاههای اسلامی به همه این فعالیتها و اعمال، چهره قانونی

در پاسخ به نامه هما ارجمند جان گریگوری نماینده دادستانی کل طی نامه ای در تاریخ ۷ ماه مه «ستم به بعضی از زنان مسلمان در کانادا را» تأیید می کند. اما آن را دلیل کافی برای غیر قانونی کردن دادگاههای اسلامی نمیداند. او می گوید: «فشار خانواده و محیط بر زنان برای حل و فصل مشکلات خانوادگی بدون تصویب «لایحه حکمیت انتاریو» هم زن را از مراجعه به دادگاههای سکولار در کانادا محروم میکند». او همچنین می افزاید «شاید شما از ما بخواهید که راه قانونی برای جلوگیری از رفع مشکلات مذهبی و فرهنگی بیابیم. باید بگویم که تا کنون چنین راه حل قانونی نیافته ایم».

هما ارجمند هم اکنون ملاقاتی با وکلا دارد تا شاید یک راه حل قانونی در یابد. طومار الکترونیکی کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی تا کنون توسط ۲۰۵۶ نفر امضا شده است.

یک زن مسلمان در طی تماس با الیا حق بین، رئیس شورای زنان مسلمان کانادا که خود عضو این کمپین هم است، تاکید کرد که اگر دادگاههای اسلامی در کانادا راه بیافتد او دیگر خود را مسلمان نمیداند. چیزی که هما ارجمند سالهاست خود را به آن نام نمیخواند، یعنی مسلمان. بخصوص زمانی که شاهد آن بود که چه بر سر زنان تحت حکومت خشن آمده است. هما عمیقاً معتقد است که مذهب باید از دولت جدا باشد هر چند که کانادا خود را مولتی کالچرالیزم میداند. او میگوید «مذهب ات باید در خانه، کلیسا و مسجد باقی بماند. ما باید کشور سکولار باقی بمانیم بدون اینکه قوانین مختلف برای گروههای مختلف داشته باشیم. بخصوص زمانی که به مسئله زنان برمیگردد».

## خیلی کارها میشود کرد!

### منصور حکمت



آنچه میخوانید پاسخ منصور حکمت به دو سوال کتبی راه آزادی، نشریه حزب دموکراتیک مردم ایران، است که در شماره ۳۹ این نشریه (بهمن و اسفند ۷۳) به چاپ رسید و پس از آن با عنوان «اساس برنامه کمونیستی ما پا برجا مانده است» در تیر ۷۴، ژوئن ۱۹۹۵، در شماره ۱۸ انترناسیونال منتشر شد. در این اثر منصور حکمت هم ارزیابی از تحولات اوایل ۹۰ و جایگاه انقلاب ۵۷ میدهد و هم در باره منشاء فکری و چگونگی شکل گیری جریانی که به کمونیسم کارگری منجر شد سخن میگوید، هم انساندوستی عمیق خود را به نمایش میگذارد و هم نکات جالبی دارد که به اوضاع سیاسی امروز مربوط است. با چاپ این مطلب کوتاه و خواندنی با یک تیر چندین نشان را زده ایم!

### اساس برنامه کمونیستی ما پا برجا مانده است

#### راه آزادی: تاثیرات انقلاب

بهمین ۵۷ و حوادث سالهای پس از آن بر تفکر و عمل سیاسی شما و یا نیرویی که آن را نمایندگی میکنید کدام است؟ به عبارت دیگر ایدئولوژی و اندیشه سیاسی و عملکرد امروزی شما و برنامه شما برای آینده جامعه تا چه اندازه تحت تاثیر تجربه انقلاب و سالهای پس از آن دستخوش تغییر شده است. اصلی ترین عرصه های این تغییرات کدامند؟

#### منصور حکمت: مقدمتا لازم

است اشاره کنم که انقلاب ۵۷ حتما، همانطور که گفتید، از نقطه نظر سیر تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران رویدادی بسیار تعیین کننده بود، اما اگر صحبت بر سر تحول در «ایدئولوژی و اندیشه» فرد در طول یک دهه و نیم گذشته باشد، آنوقت دیگر انقلاب ۵۷ این جایگاه ویژه را پیدا نمیکند. در طول همین دوره تعرض وسیع راست نو با دامنه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بسیار گسترده ای در مقیاس جهانی جریان یافت، انقلاب تکنولوژیکی و انفورماتیک عظیمی صورت گرفت، در این سالها شاهد کور شدن افق توسعه

هم تفسیر آزادی خواهی و مساوات طلبی مان را مستقیما از مارکس و لنین گرفتیم و نه از مجرای یک انتقال تدریجی از امام حسین به مائو و یا از مصدق به چه گوارا. تاریخ سیاسی معاصر ایران منشاء اندیشه سیاسی و یا رادیکالیزاسیون ما نبود. لاجرم انقلاب ۵۷ هم با همه اهمیتش نمیتوانست، شاید بر خلاف تجربه برخی فعالین کمونیست دیگر، منشاء تحولی در اعتقادات بنیادی و جهان نگرى ما باشد. ۱۶ سال قبل ما به عنوان یک عده مارکسیست دو آتشه پا به انقلاب گذاشتیم. امروز، بعد از این همه سال و این رویدادهای مهم در ایران و جهان، وقتی نگاه میکنم خودم را مارکسیست پافشارتر و بی تخفیف تری میبینم. اتکاء و اعتماد به مارکسیسم و صحت تحلیل و متدش و به ارزشش در مبارزه برای سعادت بشر به مراتب بیشتر شده است. اگر انقلاب ۵۷ سهمی از این لحاظ داشت این بود که کمک کرد تفاوتهای سیاسی و فکری خود را با خطوط دیگر و تعبیر دیگر بهتر درک و بیان کنیم.

البته از نظر سیاسی و عملی، آموزشهای تجربه انقلاب ۵۷ غیر قابل انکار است. انقلاب همه را به معنی واقعی کلمه وارد عالم سیاست کرد. خیلی مفاهیم و مقولات تجریدی، مثل دولت، انقلاب، حزب، طبقه، بحران، رفم، راست، چپ و غیره برای توده وسیع فعالین سیاسی آن دوره بطور زنده و ملموسی معنی شد. بنظر من انقلاب ۵۷، علیرغم عاقبت سیاسی تلخش، کل جامعه و نیروهای سیاسی آن را وارد فاز جدیدی از پختگی و بلوغ کرد. و این فقط منحصر به چه چاها نبود. من این را بویژه در حرکت خودمان هم مشاهده میکنم.

تا آنجا که به برنامه ما برای جامعه برمیگردد میتوانم بگویم اساس کمونیستی برنامه ما پا برجا مانده است، اما ابعاد مختلف و جزئیات آن به تناسب اوضاع و عمیق تر شدن نگرش سیاسی جنبش ما دقیقتر و جامع تر شده است. مقایسه اصول برنامه اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۶۰ و برنامه حزب کمونیست، چندی بعد از آن، با برنامه امروز حزب کمونیست کارگری که همین روزها منتشر میشود این را بخوبی نشان میدهد. جنبش ما، بعنوان یک حرکت کمونیستی خاص در جامعه ایران در این یک و نیم دهه مراحل مختلفی را طی کرده و طبعاً امروز با مسائل دیگری روبروست. ما با این هدف شروع کردیم که در تمایز با چه خلق گرا و ناسیونالیست ایران در مقطع انقلاب ۵۷، یک قطب مارکسیست

و انترناسیونالیست ایجاد کنیم و این قطب را به بستر اصلی حرکت کمونیستی رادیکال در کشور تبدیل کنیم. ما این را ابزار دخالت مستقل کارگر در سرنوشت خویش و سرنوشت سیاسی جامعه میدانستیم و میدانیم. پیشروی های مهمی کردیم. در مدت کوتاهی حزب کمونیست ایران تشکیل شد که برای دوره ای چندین ساله یک قطب مهم در چپ رادیکال کشور را تشکیل میداد. گام بعدی، که با سقوط اردوگاهها و قطبهای سوسیالیسم غیر کارگری در سطح جهانی مصادف بود، ایجاد یک صف بندی کمونیستی کارگری بود که بتواند نه فقط این دوره سخت و این تعرض وسیع جهانی به آرمان سوسیالیسم را پشت سر بگذارد، بلکه مسیری که در جهت ایجاد حزب کمونیستی طبقه کارگر در ایران طی کرده بودیم را ادامه بدهد. حزب کمونیست کارگری محصول این حرکت است. خلاصه کلام، همه اینها یعنی اینکه موقعیت و مسائل امروز ما با آن دوره فرق میکند. آرمانها و اهداف همانهاست، اما موقعیت عینی جامعه و جنبش تفاوت کرده است.

عرصه ای که بنظر من با عقل امروز میشد بهتر عمل کرد، عکس العمل سازمانی ما به موج سرکوب ۳۰ خرداد بود. ما به فعالیت سیاسی و سازمانی مان در آن دوره شدت دادیم. و تازه ما جزو بخشهای عاقل تر و غیر احساساتی تر چه در آن مقطع بودیم. بنظر من میبایست یک عقب نشینی منظم و متین میکردیم و خودمان را برای مراحل بعدی حفظ میکردیم. توان و نیرویی که در آن ماجرا از دست دادیم به مراتب از آنچه باقی ماند بیشتر بود. انسانهای عزیز و کمونیستهای فوق العاده برجسته و مستعدی از دست رفتند. چه در قلب تک تک ما و چه در عرصه سیاسی و مبارزاتی هنوز این حفره ها پر نشده و بنظر من هرگز نمیشود. مهم ترین عامل در پروسه تاریخی، خود انسان است و هر فرد نقش ویژه و غیر قابل جایگزینی ای میتواند در این پروسه بازی کند. گمان میکنم درسی که از اینجا گرفتیم در روش برخورد بعدی ما به مبارزه مسلحانه در کردستان و به فعالین این عرصه در گره گاههای بعدی، مثل مقطع صلح ایران عراق و مثل جنگ آمریکا و عراق، نقش مثبت بازی کرد.

**راه آزادی:** اگر با تجربه، درک، و شناخت امروزی بار دیگر در برابر حوادث تاریخی بهمین ۵۷ و پس از آن قرار بگیرید، چه موضوعی اتخاذ میکنید. به دیگر سخن اگر تاریخ را به عقب برگردانیم برخورد شما به حوادث مشخص و اصلی این دوره چیست؟

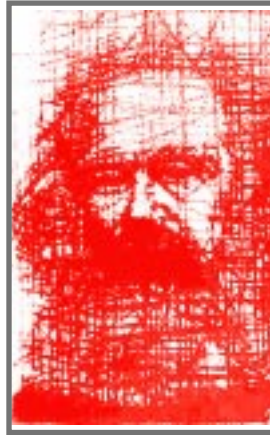
**منصور حکمت:** اگر چرخ کل تاریخ و از جمله سطح جنبش خود ما بعقب برگردد و در شرایط عینا نظیر آن روز قرار بگیریم، طبعاً کار اساسا متفاوتی نمیشد در دستور گذاشت. ایجاد یک قطب مارکسیست، ایجاد یک حزب کمونیست کارگری و تضمین دخالت مستقل طبقه کارگر در حیات سیاسی جامعه، همین پروژه باید دنبال میشد. با شناخت و تجربه امروز شاید میشد این پروژه را سریع تر و موثرتر و بی درد سرتیر جلو برد. در یک مورد خاص بنظر من نادرست عمل کردیم. به این برمیگردم، فقط اجازه بدهید اول یک نکته را تاکید کنم. نمیدانم امروز چند حزب و سازمان و جریان میشود پیدا کرد که بتواند مثل جریانی که من به آن تعلق داشته ام به سالهای انقلاب ۵۷ نگاه کند و مواضع و سیاستهایش در قبال حوادث مشخص و اصلی آن دوره را همچنان معتبر و سرفرازانه بیابد. ما از قبل از قیام نسبت به ماهیت ارتجاعی رژیم اسلامی و

همه جناحهایش هشدار دادیم و آن را افشاء کردیم. ما در تمام مراحل، رفراندم، اشغال سفارت، جنگ، غیره و غیره، علیه موج توهامات و سازشکاری ها نسبت به رژیم اسلامی ایستادیم. از آزادی بی قید و شرط حقوق فردی و مدنی و سیاسی در جامعه، از برابری زن و مرد، از دولت غیر مذهبی و جامعه سکولار و از حقوق و مطالبات پیشرو کارگری دفاع کردیم. ما جلوی حمله رژیم به کردستان ایستادیم و از حق جدایی مردم کردستان دفاع کردیم. کره گاه مهمی در آن تاریخ نیست که امروز فکر کنم موضع ما در آن یک موضع کمونیستی و آرایخواهانه و برحق نبود و امروز باید در پرتو دیگری به مساله نگریم.

# فلاسفه جهان را تنها تفسیر کردند، نکته اما تغییر آنست!

## تره‌هایی در باره فوئرباخ کارل مارکس

### ترجمه مصطفی صابر



نه) و این جهانی‌بینی نوین به نقد کل مناسبات اجتماعی موجود میرسد و در مقابل «جامعه مدنی» بورژوازی «جامعه انسانی و انسانیت اجتماعی» پرولتاریا را قرار میدهد. (تر ۵) تفکری که فشرده و انعکاس انقلاب در وضع موجود است و برای تغییر همین وضع به میدان می‌آید. (تر ۱۰)

این ترها سرتاپا در مقابل آن درک تکامل گرایانه، جبر گرایانه، پاپسیفیستی، مفسر و توجیه گر، که برای سالها بعنوان «فلسفه علمی» و «ماتریالیسم دیالکتیک» نوع استالین و مائوستی و ترورسکیستی بر تفکر چپ بعد از لنین حاکم بوده است، قرار دارد. لنین کسی است که حقیقتا جوهر انقلابی و فعال اندیشه مارکس و همین ترها را بخوبی دریافته بود و عملا پراتیک کرد. فقط به این قطعه کوتاه که منصور حکمت از لنین نقل میکند توجه کنید:

«مارکسیسم از تمام تئوری‌های دیگر سوسیالیستی با این (خصوصیت) متمایز میشود که بطور چشمگیری هوشیاری کامل علمی در تحلیل اوضاع عینی و سیر عینی تکامل را با موکدترین بازشناسی اهمیت انرژی انقلابی، خلاقیت انقلابی و ابتکار انقلابی و همچنین افراد، گروه‌ها، تشکل‌ها و احزابی که قادر باشند میان خود با این یا آن طبقه رابطه برقرار کنند، ترکیب میکنند.»

و منصور حکمت شاید دقیقتر از هرکسی راجع به متد مارکس و مکان ترهای فوئرباخ صحبت میکند. (به نقد وحدت کمونیستی، نگاهی به آناتومی لیبرالیسم چپ، در سایت حکمت رجوع کنید). همانطور که اشاره شد بحث مفصل را برای بعد می‌گذاریم. اما شاید این دست‌گرمی باشد تا خوانندگان تشویق شوند در کنار مطالعه دقیق ترهای فوئرباخ به اثر حکمت که اشاره کردیم رجوع کنند و برای بحث‌های بعدی آمادگی بیشتری بدست بیاورند.

چند کلمه هم در باره ترجمه حاضر: تا آنجا که من دیده‌ام دست کم دو جور ترجمه انگلیسی (با اندک تفاوتی) وجود دارد. (گویا منشاء این اختلاف این باشد که برخی از اصل دست‌نوشته مارکس ترجمه میکنند و برخی از تنظیم شده آن توسط انگلس) ما تلفیقی از هر دو را ارائه کرده‌ایم و مهمترین

### یک توضیح کوتاه

اثری که در زیر می‌بینید، از موجزترین و در عین حال مشهورترین آثار مارکسیستی است. در باره اهمیت این ترها و جایگاه آن در متد و تفکر مارکسیستی و بویژه در نزد منصور حکمت جداگانه صحبت میکنیم. اینجا فقط چند نکته بعنوان سرخ:

این ترها در بهار سال ۱۸۴۵ وقتی مارکس ۲۷ سال داشت و از هگل و هگلیست‌های جوان بریده بود و با تفکرات فلسفی ماقبل و از جمله فوئرباخ تسویه حساب میکرد نوشته شد. این اثر اول بار در سال ۱۸۸۸ توسط انگلس و با عنوان «تره‌هایی در باره فوئرباخ» منتشر گردید.

انگلس در باره این ترها میگوید: «این ترها یادداشت‌هایی است که بسرعت نوشته شده و قصد آن بوده که بعدها ساخته و پرداخته گردد و بهیچ وجه برای چاپ در نظر گرفته نشده است. ولی ارزش آنها بمشابه سند اولیه‌ای که نطفه پر نبوغ جهان بینی نوین را در بر دارد از حد و قیاس فرزون است.»

او کاملا حق دارد. این ترها در واقع لحظه تولد نوعی نگاه سرتاپا نوین به دنیا است. موضوع فقط نقد «ماتریالیسم کهنه» تولد نوعی ماتریالیسم نوین نیست که تعریفی جدید و متفاوت از رابطه وجود و شعور، متمایز از ماتریالیسم و ایده آلیسم قبل از خود میدهد. (تر اول) بلکه خود این تعریف که متضمن درک پراتیک تحول بخش و انقلابی کننده و اجتماعی انسان به عنوان مبنای حقیقت و درک است، حتی کل فلسفه را باز تعریف میکند. (تر دوم) این درک از پراتیک انقلابی به بینش معینی نسبت به جامعه و نقد ماتریالیسم مبتدلی که با حکم «انسانها محصول شرایط اند» در خدمت توجیه وضع موجود قرار میگردد منجر میشود. بر اهمیت پراتیکی که هم میسازد و هم ساخته میشود، هم تغییر میدهد و هم تغییر میابد تاکید میگنارد. (تر سوم) و بیش از این، این درک جدید به بینش معینی نسبت به تاریخ و انسان و مذهب و ایدئولوژی میرسد. درکی که متکی بر شناخت زنده و واقعی انسانها در حیات اجتماعی‌اش و نه بصورتی مجرد و انتزاعی است. (ترهای چهار تا

شد که راز خانواده مقدس در خانواده زمینی نهفته است، خانواده زمینی باید در تئوری و پراتیک نابود شود.

### ۵

فوئرباخ ناراضی از تفکر تجریدی به مشاهده روی می‌آورد. اما او محسوسات را بمشابه فعالیت پراتیکی حسی - انسانی در نظر نمی‌گیرد. (در ورژن انگلس کلمه حسی بدنبال مشاهده آمده است).

### ۶

فوئرباخ جوهر مذهب را به جوهر انسان ارجاع میدهد. ولی جوهر انسان یک تجرید نهفته در هر تک فرد نیست. (جوهر انسان) در واقعیت خود مجموعه روابط اجتماعی است.

فوئرباخ که وارد نقد این جوهر واقعی نمی‌شود، در نتیجه مجبور است که:

۱) از جریان تاریخی انتزاع کند و احساسات مذهبی را در با ارجاع به خود (این احساسات) توضیح دهد و (و برای این کار) یک فرد انتزاعی و ایزوله انسان را فرض بگیرد.

۲) جوهر انسان در نزد او تنها بعنوان «نوع»، بعنوان یک کاراکتر درونی، گنگ و عام که افراد بسیاری را تنها بصورتی طبیعی بهم پیوند میدهد، در نظر گرفته شود.

### ۷

نتیجتا، فوئرباخ نمی‌بیند که «احساس مذهبی» خود یک محصول اجتماعی است و فرد انتزاعی مورد تحلیل او در واقعیت به فرم معینی از اجتماع تعلق دارد.

### ۸

زندگی اجتماعی اساسا پراتیکی است. تمام آن رموزاتی که تئوری را به راز و رمزگرایی کشانده است، جواب عقلی (منطقی) خود را در پراتیک انسانی و فهم این پراتیک می‌گیرد.

### ۹

نقطه اوج ماتریالیسم مشاهده ای، یعنی ماتریالیسمی که حسیات (محسوسات) را به مشابه فعالیت پراتیکی نمی‌فهمد، مشاهده افراد مجزا (منفرد) در «جامعه مدنی» است.

### ۱۰

نظریه ماتریالیسم کهنه جامعه «مدنی» است. نظریه ماتریالیسم نوین جامعه انسانی یا انسانیت اجتماعی است.

### ۱۱

فلاسفه به طرق گوناگون جهان را تنها تفسیر کرده‌اند؛ نکته اما تغییر آنست.

### ۲

اینکه آیا تفکر انسانی دارای حقیقت عینی است یا نه، مساله‌ای تئوریک نیست، مساله‌ای پراتیک است. انسان باید حقیقت فکرش، یعنی واقعیت، قیادت و زمینی (اینجهانی) بودن آنرا در پراتیک اثبات کند. مجادله بر سر واقعی یا غیر واقعی بودن تفکر که از پراتیک جدا باشد، یک مساله صرفا اسکولاستیک (مکتبی) است.

### ۳

دکترین ماتریالیستی که (میگوید) انسانها محصول شرایط و تربیت اند و اینکه انسانهای تغییر یافته محصول شرایطی دیگر و تغییر در تربیت اند، فراموش میکند که این انسانها هستند که شرایط را تغییر میدهند و اینکه آموزگار باید خود آموزش ببیند. این دکترین، ناگزیر است که جامعه را به دو بخش تقسیم کند که یکی بر جامعه برتری دارد. (در نزد روبرت اوئن برای مثال). (این پراتیک توسط انگلس اضافه شده است).

تطابق (وقوع همزمان) تغییر شرایط با فعالیت انسانی یا خود - تغییری تنها میتواند بصورت پراتیک انقلابی بررسی و تعقلا فهمیده شود. (خود - تغییری در ورژن انگلس نیست).

### ۴

فوئرباخ از فاکت از خودیگانگی مذهبی، از دوگانگی جهان، یکی مذهبی و خیالی و دیگری جهان واقعی، آغاز میکند. کار او عبارت از اینست تا جهان مذهبی را بر مبنای زمینی (سکولار) آن توضیح دهد. ولی متوجه نیست که پس از انجام این، هنوز کار عمده باقیست. چرا که این فاکت که این پایه زمینی خود از خویشتن جدا میشود و بصورت عالمی مستقل در ابرها مستقر میگردد، تنها میتواند با کشاکش‌های درونی و ذات متناقض این مبنای زمینی (سکولار) توضیح داده شود. لذا این آخری (جهان زمینی) باید ابتدا در تناقضاتش فهمیده شود و بعد با رفع تناقضاتش در پراتیک انقلابی شود. بنا براین، برای مثال، وقتی کشف شد که راز خانواده مقدس در خانواده زمینی نهفته است، خانواده زمینی باید در تئوری نقد و در پراتیک تحول یابد. (دو جمله آخر این تر در ورژن خود مارکس اینطور آمده است: لذا این آخری باید تواما در تناقضاتش فهمیده شود و در عمل انقلابی گردد. پس برای مثال وقتی کشف

تفاوتها را هم ذکر کرده ایم چرا که به نظر میرسد ترها به این صورت مفهوم تر اند. در ضمن ترجمه‌های فارسی که من دیده‌ام اشتباهات و اشکالاتی دارد. همینطور نثر آنهایی که دیده‌ام قدیمی است. امیدوارم این ترجمه‌ای بهتر باشد ولی اگر ترها را به زبان انگلیسی (و اگر آلمانی که دیگر چه بهتر) بخوانید به مراتب بهتر از تکیه بر ترجمه فارسی آن است.

در ضمن پراتیک‌های متن زیر همه از من است. پراتیک‌های اصل در علامت دو پراتیک (۱) آمده است.

مصطفی صابر

## تره‌هایی در باره فوئرباخ

### ۱

نقص عمده همه ماتریالیسم تاکنون موجود - شامل ماتریالیسم فوئرباخ - در آنست که چیز، واقعیت، محسوسات تنها در شکل شیء (عین) و یا مشاهده درک میشود، اما نه بعنوان فعالیت حسی انسانی، پراتیک، نه بطور سوژکتیو (ذهنی، فاعلی). به این خاطر چنین رخ داد که جهت فعال (اندیشه)، در تناقض با ماتریالیسم، توسط ایده آلیسم به پیش رانده شد - اما فقط بطور مجرد، چون بدیهی است که ایده آلیسم فعالیت واقعی و محسوس را به این معنی برسمیت نمی‌شناسد. فوئرباخ میخواهد که اشیاء محسوس بطور واقعی از اشیاء فکری متمایز باشند، اما خود فعالیت انسانی را بعنوان یک فعالیت عینی نمی‌فهمد. به این جهت در ماهیت مسیحیت (اثر فوئرباخ) تنها فعالیت تئوریک بعنوان وجه اصیل انسانی به رسمیت شناخته میشود در حالی که پراتیک تنها در شکل ناپاک و یهودایی بروز آن درک و بیان میشود. از اینرو ست که او اهمیت «انقلابی» و اهمیت «پراتیکی - انتقادی» فعالیت (انسانی) را نمی‌گیرد.

## نامه های شما

### امضاء محفوظ، تهران برند حال کنند!

«سلام رفیق بهرام... راستی امروز اون پوستر قشنگی که فرستاده بودید، پوستر ۱۸ تیر رو توی دانشگاه تهران چسبونیدم. همچنین چند پر رفت و آمد. نزدیک ۲۵۰ نسخه انترناسیونال را هم پخش کردیم و مقداری تراکت. این پیامتان (مربوط به ۱۸ تیر) را همه گیر میکنیم! دو روز بعد: «ما پیام شما را همراه با پوستر سازمان در یک اعلامیه تکثیر کردیم. امشب آن ها را در جاهای تابلو میدان انقلاب زدیم. به بچه های تهران بگو فردا صبح برند میدان انقلاب حال کنند!»

### آناهیتا، مشهد میترسیدند شلوغ بشه!

«سلام عزیز، دیروز حدود ۷۰، ۸۰ نفر از افراد وابسته بدفتر امام جمعه جلو حرم رژه میرفتن. البته باعث شدند اتوبوس ها حرکت نکنن. با سوار مینی بوساشون شدن تا اونا رو ببره مرقد امامشان. لباس بسیجی پوشیده بودن به هر کدوم یک رادیو داده بودند... برای صدا و سیما انگار زلزله نشده. در مشهد همه جا خودشون واسه ۱۵ خرداد آمده میکنن... اخیرا رئیس دانشگاه نور مشهد رفته نیشابور که بگه بخاطر اینکه هزینه تامین نیست نمی تونند در آنجا دانشگاه بسازند. البته یکی از دانشجوها را ۲۴ ساعت در حراست نگه داشته بودند. چون میترسیدند بچه ها شلوغ کنند...»

### فرهاد از کانادا از افغانستان می آیم!

ترجمه نامه اشان که به انگلیسی است: «مصطفی عزیز، تبریک و تشکر. این نامه را مینویسم به خاطر مقالات شما که در اینترنت منتشر میشود. گاه اوقات به کمک یک دوست خوب نوشته های شما را در جوانان کمونیست میخوانم. امیدوارم که در آینده بیشتر در تماس باشیم. ضمنا ببخشید که خود را معرفی نکردم. من فرهاد ساکن یکی از شهرهای کانادا هستم که در اصل افغانستانی هستم. من میخواهم بیشتر در مورد حزب شما بدانم و ببینم که در کانادا مشغول چه کارهایی هستید. در انتظار جواب شما، فرهاد.»

لطف شما به نشریه ما. در شهری که شما زندگی میکنید، حزب رفقای دارد ولی هنوز واحد شهری ندارد. امیدواریم که با کمک شما و سایر رفقا بتوانیم آنجا نیز واحد حزب کمونیست کارگری را تاسیس کنیم. شما را در رابطه با تشکیلات خارج حزب قرار خواهیم داد. ولی لطف کنید در مورد تجارب خودتان برای نشریه ما بنویسید.

### کریم احمدی، ایران منهم به نوبه خود

«سلام گرم مرا بپذیر. مقاله درافزوده های حکمت به مارکسیسم در جوانان کمونیست (۱۴۳) خیلی جالب و در این ایام بجا بود. خوب من نیز از سالها قبل با نوشته های منصور حکمت آشنا هستم. و همیشه به این فکر میکردم که روزی باید در جایی و به همت کسی ما وارد مبحث درافزوده های منصور حکمت به کمونیسم و همیشه مبارزه بشریت بشویم. و همیشه در ذهنم به این فکر میکردم که به روز بودن کمونیسم حکمت واقعا یکی از مشخصات آن است. بهر حال کار خیلی خوبی برای شروع بود. امیدوارم که تمامی دوستان حکمت در این همت بزرگ شرکت کنند. بویژه رهبران حزب هرکدام جنبه ای از آنرا و با یک تقسیم کار مشخص و معین بر عهده بگیرند. دنیا نیازمند شناخت از منصور حکمت ما برای برون رفت از این جهان سیاه سرمایه دری است. من نیز به نوبه خود برای شناساندن وی ۵۰ نسخه از آثار مهم حکمت، یک دنیای بهتر، مارکسیسم و جهان امروز، دمکراسی تعابیر و واقعیت ها را تکثیر و بین دوستان پخش کردم.»

### ژییا شهابی شخصیت منصور حکمت

«مصطفی جان، مطلب در معرفی نادر (شماره ۱۴۳) را خواندم. خیلی عالی است. از آن دست مطالبی است که ماندنی است. حق مطلب را در نوشته ای به این کوتاهی ادا کرده ای. اما شاید بد نباشد در یک سطر چیزی زمینی در مورد شخصیت نادر گفت. مثلا: تنوع، چند وجهی و رابطه سراسر است و صمیمی و در عین حال بدور از ریا او را فلیسوف و رهبر انقلابی دوست داشتی کرده بود. یا شاید این خیلی سانتی مانثال است، چیزی که نادر (منصور حکمت) دوست نداشت و نبود.»

شرایع عزیز. اول باید از تو بخاطر یک جمله ات بنحو ویژه تشکر کنم: «نوشته ای به این کوتاهی». چون بعضی خوانندگان

ما از طولانی بودن مطالب من شکایت میکنند. نامه تو شاید تشویقی باشد برای دوستانی که بخاطر «طولانی» بودن آن مطلب را مورد توجه قرار ندادند. از شوخی گذشته، جدا خوشحالم که آن نوشته را پسندیدی. تایید تو و یا دوستانی چون کریم احمدی کلی به نشریه ما اعتبار میدهد. در مورد شخصیت منصور حکمت با تو موافقم. و اتفاقا یک سطر هم در آن مقاله ۱۴۳ (جایگاه منصور حکمت در مارکسیسم) اشاره شده بود که دوره نادر بسیار سخت تر و دشوارتر از دوره مارکس و لنین بود. اگر فرصتی بشود توضیح خواهم داد که منصور حکمت مثل مارکس و لنین تلاش جانفشانه ای برای پیشروی کمونیسم کرد و چطور دوره تاریخی بسیار دشوار از او شخصیتی بسیار متنوع و جذاب، بسیار محکم و قاطع ولی بسیار متین و صمیمی درست کرده بود. جالب اینست که در فرصتی بسیار کوتاه بین جلسات یکی از پلنوم ها همین موضوع یعنی متفاوت بودن و سخت تر بودن شرایط او در قیاس با دوره مارکس را با خود نادر در میان گذاشتم. او بر خلاف همیشه که اینگونه صحبت ها را با خنده و طنز میگذراند، این مورد را با من موافق بود و راستش با کمی تلخی از سختی شرایط و فشاری که بر او بود گلایه کرد.

### آرتین، تهران در باره آرامنه

«سلام رفیق صابر، من نشریه رو دنبال میکنم. در مورد تظاهرات امسال آرامنه خبر دارید که چند روز قبل از مراسم اعتراض به سالگرد قتل عام آرامنه توسط ترکیه، «ترکهای افراطی» شروع به اذیت و آزار آرامه کردند. پلاکاردهای روبروی کلیسا را آتیش زدند. این کار همه ساله شونه ولی امسال روز مراسم به مردم حمله کردند و جوونها با آنها درگیر شدند... آرامنه ایران عموما سیاسی هستند چون مجبورند که باشند... در مورد نشریه باید بگم که به عنوان یک کار نشریاتی خوب است ولی میتونه بهتر باشه. از جمله مقالات خوب سیاسی، تحلیل های ساسی و... دروهای سرخ من و رفقایمان را بپذیرید. اگر آرتین عزیز خیلی ممنون. اگر ممکن است بیشتر و مشخصتر در مورد گرایشات و جریانات سیاسی فعال در بین آرامنه ایران برایمان بنویس. گرایش به چپ و کمونیسم کارگری در بین آرامنه و بخصوص جوانها چطور است؟ همینطور در باره نشریه مشخصتر بگو چطور بهترش کنیم.»

### افشین، تهران بالتر از انتظار!

«... راستی در مورد نشریه هم بگم که بالاتر از او چیزی بود که من انتظارشو داشتم. خیلی خوب بود. امیدوارم هر روز بهتر بشه!»

### ماریا آزاده کردستان تشکر دوستان!

«مصطفی جان سلام، تقریبا از شماره ۱۳۸ به بعد ستونی به چاپ مقالات منصور حکمت اختصاص داده شده که مورد استقبال من و چند تن از دوستان قرار گرفته. به نظر من این ستون میتونه از بهترین قسمت های نشریه باشه. چاپ بخش هایی از آثار حکمت که اتفاقا هماهنگی مناسبی با سایر مطالب هفته نامه داره برای من و دوستانی مثل من که دسترسی کمتری به آثار ایشان دارند و با توجه به مسدود بودن سایت های مورد نظر بسیار مفیده. من از طرف دوستان از شما تشکر میکنم.»

ماریا عزیز! ما قبلا هم مرتباً این کار را کرده ایم و میکوشیم ادامه دهیم. به دوستان سلام برسانید، خیلی تشکر کنید و به آنها بگویید چرا برای ما نامه نمی نویسنند؟ ماریا عزیز میدانم که دوستان خودشان این سطور را میخوانند، اما اینجور کارها یکی را در محل میخواهد که هی به آدم یاد آوری و سماجت کند!

### مهرداد گوشا پرستوی کوچولو!

در نامه به اسد گلچینی عکسی از دخترک ۴ ساله پرستو فرستاده اند که آثار شکنجه و آزار بر دست و پای او بسیار دلخراش است. زیر آن نوشته اند: «پرستوی کوچولوی چهار ساله یکی از هزاران قربانیان کودک ستیزی در نظام سرمایه داری و اسلامی ایران است. ریشه کن ساختن کامل این پدیده ضدبشری فقط در جامعه سکولار، آزاد، برابر، شاد و مرفه امکان پذیر است. اول کودکان، کمپین بین المللی برای دفاع از حقوق کودکان و فراهم ساختن دنیایی شاد و انسانی برای آنهاست، به اول کودکان ببینید!»

### هامون کیانی آلمان زنده باد مبارزات دانشجویی

این عنوان نوشته کوتاهی از هامون است که دانشجویان را به گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی در ۱۸ تیر امسال کرده است و خواسته یاد کسانی چون پرهام جوان ۱۹ ساله شیرازی و

زهرا کاظمی که توسط رژیم اسلامی به قتل رسیده اند گرامی داشته شود. ضمن تشکر از هامون که مرتباً برای ما مینویسند از ایشان عذر میخواهیم که هفته قبل نام او را اشتباه نوشته بودیم.

### بابک شدیدی ترکیه خرید و فروش دختران

در نوشته ای از مقامات خود رژیم نقل کرده اند که ۳۷۵ کودک بی سرپرست در جریان زلزله بم ناپدید شده اند. همینطور خود این حضرات گفته اند که چگونه دختران و زنان جوان از ایران و سایر کشورها به کشورهای خلیج رفته و در آنجا به کار فحشاء کشیده میشوند. بابک شدیدی اضافه کرده است که این کارها توسط باندهای مافیایی جمهوری اسلامی که سرشان به وزارت اطلاعات و رفسنجانی است انجام میگردد.

### امید امیدی سوئد دو مطلب

دو مطلب کوتاه فرستاده اند یکی در مورد اعتراض به انکار حق پناهندگی است و دیگری در مورد این هست که جمهوری اسلامی با همه سرکوب ها و فشارها نیز قادر به ادامه حیات نیست.

### منصور ترکاشوند، تهران روز اول مه من

منصور عزیز شرح شما از روز اول مه تان در آخرین لحظات رسید. امیدواریم که در شماره آینده استفاده کنیم. خیلی ممنون و سلام ما را به همه عزیزان برسانید.

### بابک از ایران (بسقط مدنی)

«آقای جوادی سلام خواهش میکنم روز ۹ خرداد ۱۳۵۸ یادتان نرود و چیزی در رادیو و تلویزیون بگویید. در این روز مردم عرب زبان خوزستان بدستور احمد مدنی استاندار وقت در جزیره مینو و خرمشهر کشتار شدند. در این روز جوانان و نوجوانان عرب که حتی کفش نداشتند که بپوشند با پای برهنه از برم آبادان به طرف خرمشهر و رد اهواز و سایر نقاط عرب نشین به تظاهرات پرداختند و دوباره به دستور مدنی به پاسدارانی که از شهرهای دیگر آورده شده بودند به گلوله بسته شدند. همه جای شهر در این روز فریاد «بسقط مدنی» (مرک بر مدنی) شنیده میشد.»

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت

۹ تا ۹:۳۰ بوقت تهران

از کانال جدید پخش میشود

(مشخصات کانال جدید در همین صفحه)

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi\_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۱۲۲ ۵۰۳ ۰۰۱

## طول موج جدید

### رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

### برنامه رادیویی سازمان

### جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

(این برنامه ها را میتوانید در

روی سایت ما نیز گوش کنید)

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

مهدی خلجی (راديو فردا): حمید رضا آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی دیروز خبر قاچاق دختران ایرانی به امارات متحده عربی را از پایه دروغ خواند. اما امروز سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران در جمع خبرنگاران گفته است که سه باند قاچاق دختران به خلیج فارس کشف و همه اعضای آن بازداشت و محل آنها مهرو موم شده است. آقای مرتضوی خواستار مجازات اعدام برای اعضای این باند شد. پارازیت ۱: دم خروس رو باور کنیم؟ یا قسم حضرت عباس رو؟ بالا غیرت نداشته تون حرفاتونو یکی کنید.

اسلامی کنه. من تا به حال ندیده بودم وعده یکی از این مستولین به این سرعت عملی شه! هنوز دو روز از مجلس هفتم نگذشته، زمین به لرزه افتاد! آی بیکارهای عزیز دیگه نمیخواد برید ژاپن! اینجا داره ژاپن میشه! زنده باد مجلس هفتم! دیدی چه خبر بود؟؟؟!

### پارازیت

http://parazit1.persianblog.com

### مصدایی مسئولین

سرلشکر سیف الشعفار معاون امور امنیتی وزارت کشور امارات عرب متحده برنامه حراج دختران ایرانی در امیر نشین فجیره را تکذیب کرد.



در گرامیانت انسانیت

هفته منصور حکمت  
۵ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴

سازمان جوانان کمونیست

هفته آینده در هر کجا که هستید، به هر ترتیبی که میتونید منصور حکمت را گرامی بنارید. او را به دیگران معرفی کنید. نوشته ها و آثار او را به دست دیگران برسانید، اجتماع و سخنرانی در توضیح ایده های انسانی او بر پا کنید، عکس ها و پوسترهایی او را پخش کنید. بگنار جمهوری اسلامی و همه دشمنان انسانیت از بسط و گسترش آرمانهای منصور حکمت آرمان آزادی و رهایی بشر بر خود بلرزند!

## رادیو و تلویزیون

### کانال جدید!

دیگر بر روی همین طول موج برنامه های رادیویی پخش خواهد شد. مشخصات رادیو و تلویزیون به قرار زیر است:

Satellite: Telstar 12X  
Frequency: 12608 MHz  
C e n t e r  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: Horizontal

رادیو و تلویزیون کانال جدید را در سطح وسیع تبلیغ کنید.

این اولین رسانه صوتی و تصویری ۲۴ ساعته چپ جامعه ایران است. کانال جدید فضل جدیدی را در تاریخ رسانه های جمعی آغاز خواهد کرد. این تلویزیون هر روزه از طریق ماهواره تل استار ۱۲ از ساعت ۸ تا ۱۰ شب بوقت تهران پخش خواهد شد. در ۲۲ ساعت

## ژاپن اسلامی و تخت جمشید!

### لینک

ناصر زنوز

nzonuz@netscape.net

### خوشحالی برای همه

http://www.happinessforall.blogspot.com



است. ناسیونالیستهای ایرانی که با افتخار از دوران پرشکوه ایران باستان و فرهنگ و تمدن پیشرفته هزار سال هم بگذره نمیسازن آگه مسجد هم نبود کسانی که مثل دیروز من باشن میخوان چه خاکی تو سرشون کنن؟! ولی جای شما خالی عجب مسجدی بود. سرویسهای تمیز و فضای روحانی. مشتری شدم. میخوام هفته ای یه بار برم اونجا جیش کنم ...

### چین گفت مارکس

http://marxist360.persianblog.com

### تخت جمشید و مرد سالاری کهن!

زمین لرزید. مادر داد زد: یا ابولفضل یا امام رضا... کودک میگفت: وضعیت بده الان باید بگی یا خود خدا! دوستش گفت آره بابام میگه امام رضا تو زنان زایمان تخصص داره!!!

### سروش در لایبرانت

http://saoshiant.persianblog.com

### ژاپن

آقای حداد عادل وعده داده بود که ایران رو تبدیل به ژاپن

اخیرا در بازدیدی که از تخت جمشید داشتم متوجه شدم که در این بنای باشکوه و بسیار عظیم حتی تصویری از یک زن نیز وجود ندارد! و وقتی که این نکته را با راهنمای تخت جمشید در میان گذاشتم ایشان گفتند که طبق نظریه های باستان شناسی ایرانیان در آن زمان بخاطر مقابله با هرزه نگاری یونانیان باستان از تصویر و پیکره زن از نقش زن استفاده نکرده اند! ... مرد سالاری و ستم جنسی بر زنان ربطی به سلطه اعراب بر ایران ندارد و یک پدیده باستانی

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515296 20

0031-613248331

0049 1632693033

00358-400530468

001 604 709 8085

0044 78 90 80 9142

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

امید حدابخشی

مجیدپستچی

آلمان:

ایمان شیرعلی

فنلاند:

سهند حسین زاده

کانادا:

سامان احدی

انگلاستان:

فواد عبدالمی

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

دانمارک:

هلند:

آلمان:

فنلاند:

کانادا:

انگلاستان:

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

دبیر کمیته مرکزی:

مشاور دبیر:

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

مصطفی صابر

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید:

## به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!